گزارشی از گفت‌وگوی نعمت‌الله فاضلی و محمدجعفر یاحقی در نشست «شاهنامه و دنیای مجازی»

مصرفی‌شدن فرهنگ و وظیفه نخبگان

یوسف بینا | نشست تخصصی «شاهنامه و دنیای مجازی» چهارشنبه نهم مهر ۱۴۰۴ با حضور دکتر نعمت‌الله فاضلی، استاد انسان‌شناسی و دکتر محمدجعفر یاحقی، استاد پیشکسوت ادبیات فارسی در دانشگاه فردوسی مشهد برگزار شد. در بخش نخست این نشست، دکتر یاحقی به طرح مسئله پرداخت و دکتر فاضلی سخنان مبسوطی در موضوع نشست ارائه داد. بخش دوم نشست نیز به گفت‌وگوی استادان، دانشجویان و علاقه‌مندان حاضر اختصاص یافت.

■ عطش دیوانه‌وار جامعه امروز به شاهنامه

در ابتدای این نشست، دکتر محمدجعفر یاحقی با تأکید بر اینکه «چشم‌ها را باید شست و شاهنامه فردوسی را جور دیگر باید دید»، گفت: «دنیای مجازی فضای جدیدی برای تنفس روحی انسان باز کرده و دنیای بزرگی است که حقیقتش در خودش نهفته است و از این رو ما نیز فکر کردیم که درباره شاهنامه فردوسی در فضای مجازی گفت‌وگو کنیم تا افق تازه‌ای به نگاه‌ها و پژوهش‌های تازه درباره فردوسی و به‌طور کلی ادبیات فارسی گشوده باشیم.»

رئیس قطب علمی فردوسی‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد با بیان اینکه «در میان آثار بزرگ زبان فارسی، شاهنامه چیز دیگری است»، ادامه داد: «شاهنامه اینک به یک بزنگاه ملی و به‌اصطلاح امروزی‌ها برندی برای زندگی تبدیل شده است؛ من که حدود ۶۰سال است درباره شاهنامه کار می‌کنم، در فضای امروزی جامعه می‌بینم که انفجاری از آگاهی درباره شاهنامه و عطشی از روی‌آوردن به آن ایجاد شده است و در پرتو این رویکرد که در حال گسترش است، مفاهیم ملی نیز دارد گسترش می‌یابد.»

وی افزود: «الآن نه‌فقط در ایران، بلکه در تاجیکستان و دیگر کشورهای جهان مانند فرانسه و کانادا و آمریکا نیز عطش دیوانه‌واری برای شاهنامه‌خوانی در میان فارسی‌زبان‌ها ایجاد شده است و حتی خواندن ترجمه‌های فرانسوی و انگلیسی شاهنامه نیز رونق گرفته است.

این گسترش فرهنگ شاهنامه‌خوانی و فردوسی‌شناسی به‌ویژه پس از جنگ ۱۲روزه بسیار بیشتر و داغ‌تر هم شده است و هم در فضای حقیقی و هم در فضای مجازی به‌قول تاجیک‌ها شاهنامه دارد در پوست و روح مردم اثر می‌کند و این یک شگفتی عظیم است.»

دکتر یاحقی تصریح کرد: «از آنجا که پژوهش‌های معمول ادبی درباره دستور زبان و واژه‌شناسی و تفسیر معنی و... در دانشگاه‌ها قدیمی شده است، اینک باید این پژوهش‌ها را در ارتباط موضوعات جدید رسانه‌ای و فرهنگی گسترش داد و بدین‌وسیله جنب‌وجوش تازه‌ای در مطالعات ادبی بین دانشجویان و علاقه‌مندان ادبیات ایجاد کرد؛ از این رو از دکتر نعمت‌الله فاضلی دعوت کردیم تا در این نشست درباره شاهنامه و فضای مجازی با دوستان حاضر گفت‌وگو کنند.»

■ دموکراتیک‌شدن فرهنگ و همگانی‌شدن ادبیات

دکتر نعمت‌الله فاضلی در ابتدای سخنان خود با تأکید بر اینکه «پنج لحظه فردوسی در تاریخ ایران داریم»، درباره این پنج لحظه تاریخی گفت: «لحظه فردوسی در زمان تولد، لحظه فردوسی در دوران صفویه، لحظه فردوسی در دوران قاجار و انقلاب مشروطه، لحظه فردوسی در دوره رضاشاه چهار لحظه در تاریخ ایران است که فردوسی حضور دارد و امروز لحظه پنجم فردوسی در ایران است؛ بنابراین شاهنامه در لحظات خاصی از چرخش‌های تاریخی ایران و همه ۱۴کشور حوزه تمدنی ایران فرهنگی حضور دارد و در لحظاتی خاص از تاریخ مثل چتری روی این کشورها باز می‌شود تا اگر طوفان یا باران سمی بر سر ما بارید، زیر این چتر پناه بگیریم و هویت خود را به‌وسیله آن از سیل حوادث مصون بداریم.»

استاد پیشکسوت انسان‌شناسی و مطالعات فرهنگی با بیان اینکه «شاهنامه پناهگاه ملت‌های حوزه تمدنی نوروز است» و «در ایران امروز نیز فردوسی چند سالی است دوباره چتر شاهنامه‌اش را بر سر ما باز کرده است»، ادامه داد: «فردوسی و شاهنامه هر دو به یک اندازه معتبرند. فردوسی مستقل از شاهنامه در تاریخ هزارساله خود به یک نماد بزرگ تبدیل شده و داستان‌ها و روایت‌هایی نیز درباره او آفریده شده است. شاهنامه نیز در جامعه ما از درون تجربه‌های زیسته مردم و تحولات تاریخی هر زمان دوباره خلق می‌شود و مردم در پویایی اجتماعی خود شاهنامه‌هایی را از نو می‌آفرینند.»

وی افزود: «فرایند دموکراتیک‌شدن فرهنگ یعنی گروه‌های بیشتری حق مشارکت در زندگی عمومی، زندگی اجتماعی، زندگی ادبی و هنری را پیدا کرده‌اند و حق فرهنگ تبدیل به یک حق عمومی‌تر از گذشته شده و البته ابتذال یا سطحی‌نگری نیز اقتضای دموکراتیک‌شدن فرهنگ است. در جامعه کلان‌شهری آگاهی به این معنا به‌وجود می‌آید و متن‌های بزرگ ادبی نیز نمی‌توانند به‌دور از فرایندهای این جامعه باشند. برای نمونه، الآن شاهنامه‌خوانی به‌شکل بی‌سابقه‌ای در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی به حوزه عمومی آمده است و نه‌فقط مردان بلکه زنان و کودکان شاهنامه‌خوان و نقال را می‌بینیم و نیز می‌بینیم که شاهنامه از منظر مسائل زنان و محیط‌زیست تفسیر می‌شود و در تربیت کودکان نیز کاربرد دارد و تبدیل به یک مسئله همگانی شده است که این همگانی‌شدن از ویژگی‌های دنیای امروز است.»

> رفتن شاهنامه به فضای عمومی ممکن است خطر تحریف یا مصادره‌به‌مطلوب آن را در پی داشته باشد؛ وظیفه اخلاقی و حرفه‌ای نخبه ادبی به‌عنوان کسی که مسئولیت ملی و اجتماعی دارد آن است که بی‌تفاوت نباشد اما بی‌طرف باشد

■ مصرفی‌شدن ادبیات در دنیای امروز

دکتر فاضلی با بیان اینکه «در دوران مدرن آثار ادبی بزرگ مثل شاهنامه فردوسی و دیوان حافظ به انحصار پژوهشگران رشته ادبیات در دانشگاه‌ها درآمد» و «باید حافظ و فردوسی را از زندان پژوهش‌های ادبی آزاد کرد»، اظهار داشت: «پژوهشگران ادبی حق انحصاری در باب فهم شاهنامه فردوسی یا مثنوی مولوی یا دیوان حافظ ندارند؛ این متن‌های بزرگ که زیست جمعی ما را تشکیل می‌دهند هرگز نمی‌توانند در انحصار پژوهشگران ادبی بمانند، بلکه همیشه متعلق به همگان‌اند و امروز برای نخستین بار در تاریخ این رویکرد همگانی به شاهکار ادبی در جامعه دارد اتفاق می‌افتد که به‌مدد رسانه‌های عمومی و دنیای مجازی است.»

بحث درباره «مصرفی‌شدن فرهنگ و تجاری‌شدن ادبیات در دنیای امروز»، «مقاومت در برابر مصرف‌گرایی و تجاری‌سازی فرهنگ و ادبیات» و نسبت این دو موضوع با هم در تحولات اجتماعی و تاریخی بخش دیگری از سخنان دکتر فاضلی بود که سخنش را این‌گونه ادامه داد: «دنیای مجازی بسیاری از فرایندهای زندگی کلان‌شهری امروز را دارد مثل یک نخ تسبیح به‌هم می‌دوزد. امروز دیگر شارحان متون ادبی استادان دانشگاه نیستند؛ زنان و مردان و به‌ویژه جوان‌هایی هستند که رشته ادبیات نخوانده‌اند اما با هنر و علاقه خود پادکست‌هایی درباره شاهنامه یا دیگر متون ادبی در فضای مجازی تولید می‌کنند که گاه تا ۵۰میلیون بازدید دارند یا یک جامعه‌شناس را می‌بینید که شاهنامه را به‌انگلیسی ترجمه می‌کند و چاپ جدید ترجمه‌اش ۱۰۰هزار نسخه در آمریکا فروش می‌رود که شگفت‌انگیز است یا بازآفرینی‌ها و مفهوم‌سازی‌هایی که به‌شکل انیمیشن و فیلم و تصویرسازی بر پایه شاهنامه برای کودکان انجام می‌شود که همه این‌ها نشان می‌دهد شاهنامه فردوسی از نظر تاریخی بزرگ‌ترین رسانه تاریخ فرهنگی ماست و در این لحظه تاریخی نه‌فقط ناقل پیام بلکه سازنده پیام برای ما ایرانی‌هاست که دارد جهان نمادین فرهنگی و تخیل اجتماعی ما را شکل می‌دهد.»

وی با بیان اینکه «شاهنامه کتابی است که حتی اگر آن را نخوانده باشیم هم تحت تأثیر آن هستیم»، افزود: «کسانی که در دنیای مجازی درباره شاهنامه کار می‌کنند دارند شاهنامه‌شناسی را همگانی می‌کنند، با تحولات تاریخی و اجتماعی گره می‌زنند و شکل‌های تازه‌ای از شخصیت‌ها و داستان‌های شاهنامه را می‌آفرینند و داوری ما درباره اصالت یا نادرستی کار آن‌ها تأثیری ندارد و آن‌ها کار خودشان را می‌کنند. البته باید بدانیم پژوهش‌های علمی و دانشگاهی در جای خود ارزشمندند اما نباید آن‌ها را سنجه‌ای برای کارهای عامه مردم درباره متون ادبی به‌شمار آورد.»

■ وظیفه نخبگان ادبی در برابر تحریف

دکتر فاضلی در بخش دیگری از این نشست گفت‌وگومحور درباره وظیفه نخبگان ادبی در برابر خوانش‌های عامه مردم از متون بزرگ ادبیات در فضای مجازی گفت: «وظیفه نخبگان ادبی وقتی دیدند خوانش‌های عامه مردم در فضای مجازی ممکن است به یک بحران ملی یا اجتماعی تبدیل شود این است که با احساس مسئولیت ملی و اجتماعی و به‌پشتوانه دانش آکادمیک خود وارد شوند و خوانش درست خود را در معرض دید مردم قرار دهند و بدین‌ترتیب بتوانند از بحران جلوگیری کنند.»

وی این نکته را چنین توضیح داد: «رفتن متون ادبی از جمله شاهنامه به فضای عمومی و همگانی‌شدن آن ممکن است خطر تحریف یا مصادره‌به‌مطلوب آن را در پی داشته باشد و باید بدانیم که مردم پژوهشگر نیستند بلکه با شاهنامه زندگی می‌کنند و با توجه به اقتدار عمل خود آن را بازمی‌خوانند؛ در این وضعیت پژوهشگران و استادان ادبیات نمی‌توانند از مردم مطالبه کنند که چرا شاهنامه را پژوهشگرانه و آکادمیک نخوانده‌اند، اما وقتی بحثی در حوزه عمومی شکل گرفت که ممکن بود به بروز بحران برای منافع ملی و اجتماعی بینجامد، وظیفه اخلاقی و حرفه‌ای نخبه ادبی به‌عنوان کسی که مسئولیت ملی و اجتماعی دارد آن است که بی‌تفاوت نباشد اما بی‌طرف باشد و مسئولانه خوانش درست شاهنامه یا دیگر متون ادبی را به مردم ارائه دهد و این‌گونه جلو بروز بحران یا فاجعه ملی را بگیرد.»

گزارش

زنان وکیل در قاب تصویر

بازنمایی واقعیت یا خلق تصویری نمادین؟

نیایش احمدی | به بهانه حضور شبنم مقدمی در سریال تازه «شغال» به کارگردانی بهرنگ توفیقی، فرصتی دست داده تا مروری داشته باشیم بر نقش‌های شاخص زنان وکیل در سینما و تلویزیون ایران در یک دهه گذشته.

شخصیت وکیل در جهان داستانی همواره نماد عدالت، منطق و دفاع از حقیقت بوده است. وقتی این جایگاه به زنان سپرده می‌شود، علاوه بر بار حرفه‌ای، وجهی اجتماعی و حتی نمادین نیز پیدا می‌کند. پرسش اصلی این است که آیا سینمای ایران توانسته تصویری واقعی و نزدیک به واقعیت از زنان وکیل ارائه دهد یا بیشتر شاهد روایت‌هایی دراماتیک و گاه ایدئالیستی بوده‌ایم؟

■ شبنم مقدمی در «شغال»

«شغال» ساخته بهرنگ توفیقی در سال ۱۴۰۴ تازه‌ترین تجربه تلویزیونی بوده که شخصیت یک وکیل زن را در کانون توجه قرار داده است. شبنم مقدمی با سابقه‌ای درخشان در ایفای نقش‌های پرقدرت، این بار به سراغ نقشی رفته که هم بُعد عقلانی دارد و هم درگیر چالش‌های عاطفی و خانوادگی است. مقدمی با صدایی محکم و بازی کنترل شده توانسته اقتدار وکیل را نمایش دهد. در عین حال، لحظات شکنندگی انسانی او در مواجهه با درگیری‌های شخصی‌اش تصویر کلیشه‌ای «زن آهنین» را می‌شکند. انتخاب مقدمی برای چنین نقشی نشان‌دهنده تمایل فیلم‌ساز به خلق وکیل‌هایی چندبعدی است؛ شخصیت‌هایی که فراتر از دادگاه، در زندگی روزمره نیز با تضادها روبه‌رو هستند.

■ نگار جواهریان در «وحشی»

«وحشی» به کارگردانی هومن سیدی در سال ۱۴۰۳ اثری جنایی و پرتعلیق بود. نگار جواهریان در نقش رها جهانشاهی، وکیلی است که با پرونده‌هایی سنگین و پرخطر مواجه می‌شود. او در این سریال از بازی‌های اغراق‌آمیز فاصله گرفت و با بیانی مینی‌مال و حرکات محدود، تصویری جدی و واقعی از یک وکیل خلق کرد. جواهریان توانست نشان دهد که وکیل بودن بیش از هر چیز به توانایی کنترل، تمرکز و تسلط نیاز دارد. همین انتخاب، جایگاه زنان وکیل در آثار نمایشی را به سطحی حرفه‌ای‌تر نزدیک کرد. نقش او به ویژه در مقایسه با نمونه‌های پیشین، نمایشی از وکیلی بود که از کلیشه‌های احساساتی فاصله می‌گیرد و در میدان جدی قانون باقی می‌ماند.

■ سارا بهرامی در «شریک جرم»

در سال ۱۴۰۲ سریال «شریک جرم» به کارگردانی مازیار میری پخش شد؛ اثری جنایی با روایتی غیرمتعارف. شخصیت میترا با بازی سارا بهرامی، وکیلی است که خود به‌عنوان متهم درگیر پرونده‌ای می‌شود. این موقعیت دوگانه بار دراماتیک نقش را بسیار سنگین کرد. بهرامی با مهارت توانست این تضاد را به نمایش بگذارد؛ او در صحنه‌های دفاع از خود لحنی منطقی و مستدل داشت، در حالی که در لحظات بحران، اضطراب و تردید را نیز نمایان می‌کرد.

این نقش نشان داد می‌توان وکیل زن را نه تنها مدافع حقیقت، بلکه انسانی خاکستری و چندوجهی تصویر کرد.

■ لادن مستوفی در «گناه فرشته»

«گناه فرشته» نوشته و کارگردانی حامد عنقا، در همان سال ۱۴۰۲ پخش شد و لادن مستوفی در نقش مهتاب محتشم، وکیلی بود که علاوه بر پرونده‌های حقوقی، با تعارض‌های خانوادگی و اخلاقی نیز روبه‌رو شد. مستوفی نقش را با لحنی آرام و بازی‌ای درونی اجرا کرد. او کمتر بر نمایش بیرونی قدرت تأکید داشت و بیشتر به بُعد انسانی و عاطفی شخصیت پرداخت. این نوع بازی، شاید از نظر واقع‌گرایی کامل نباشد، اما توانست تصویری تازه از وکالت زنانه ارائه دهد؛ تصویری که بر مسئولیت‌های دوگانه حرفه‌ای و خانوادگی تأکید دارد. چنین رویکردی می‌تواند به فیلم‌سازان یادآوری کند که شخصیت وکیل زن لزوماً محدود به دادگاه نیست و زندگی شخصی‌اش نیز بخش مهمی از روایت است.

■ لیلی رشیدی در «عرق سرد»

فیلم اجتماعی «عرق سرد» به کارگردانی سهیل بیرقی در سال ۱۳۹۶، یکی از مهم‌ترین آثار درباره محدودیت‌های قانونی زنان بود. لیلی رشیدی در نقش وکیل شخصیت اصلی حضور کوتاهی داشت، اما همان میزان کوتاه نیز به شدت اثرگذار بود. او نماینده تلاش زنانی بود که حتی در چارچوب‌های محدود حقوقی، همچنان برای دفاع از حقوق موکل خود می‌جنگند. رشیدی با بازی دقیق و جدی‌اش، پیام فیلم را تقویت کرد و نشان داد گاه حضور کوتاه یک وکیل زن می‌تواند کل ساختار داستان را تحت تأثیر قرار دهد. انتخاب او بیانگر آن است که سینمای ایران می‌تواند حتی با کمترین حضور، تصویری واقعی از چالش‌های وکالت زنان ارائه دهد.

■ لیلا حاتمی در «دوران عاشقی»

فیلم «دوران عاشقی» ساخته علیرضا رئیسیان در سال ۱۳۹۴، به روابط پیچیده خانوادگی و اجتماعی پرداخت. لیلا حاتمی در نقش یک وکیل، بیش از هر چیز بر جنبه‌های اخلاقی و انسانی شخصیت تمرکز کرد. این نقش، هرچند از نظر نمایش اقتدار حقوقی چندان برجسته نبود، اما توانست تصویری تازه از وکالت ارائه دهد: وکیلی که همسر، مادر یا زنی عاشق است و ناچار میان زندگی شخصی و حرفه‌ای تعادل برقرار می‌کند.

■ مریلا زارعی در «هیس! دخترها فریاد نمی‌زنند»

«هیس! دخترها فریاد نمی‌زنند» ساخته پوران درخشنده در سال ۱۳۹۲، از مهم‌ترین آثار اجتماعی سینمای ایران است. مریلا زارعی در این فیلم نقش وکیلی را ایفا کرد که مدافع قربانیان خشونت جنسی علیه کودکان بود. بازی او پرقدرت و احساسی بود؛ صدای بلند، نگاه‌های تند و لحظاتی پر از خشم فروخورده. زارعی توانست وکیل را به نمادی از مقاومت و عدالت‌خواهی تبدیل کند.

■ بازنمایی واقعیت یا خلق اسطوره؟

مرور این آثار نشان می‌دهد سینمای ایران در بازنمایی وکیل زن دو مسیر متفاوت را طی کرده است.

از یک سو، بازیگرانی چون نگار جواهریان و لیلی رشیدی تصویری واقع‌گرایانه و نزدیک به حقیقت از وکالت ارائه کرده‌اند؛ وکیلانی جدی، محدود به چارچوب‌های قانونی و درگیر با موانع واقعی. از سوی دیگر، بازیگرانی چون مریلا زارعی یا حتی شبنم مقدمی در «شغال» چهره‌ای اسطوره‌ای و قهرمانانه از وکیل ارائه داده‌اند؛ شخصیت‌هایی که بیش از آنکه درگیر محدودیت‌های قانون باشند، نماد عدالت و مقاومت‌اند. این دوگانه، اگرچه گاه سبب فاصله گرفتن از واقعیت می‌شود، اما در عین حال نشان‌دهنده تلاش فیلم‌سازان برای متنوع‌سازی شخصیت‌های زن در آثار نمایشی است.

تأثیر چنین انتخاب‌هایی بر روند فیلم‌سازی آینده می‌تواند دو وجه داشته باشد؛ نخست، تشویق به پرداختن دقیق‌تر و پژوهش‌محورتر به حرفه وکالت و دوم، بهره‌گیری از ظرفیت نمادین این شخصیت برای بیان دغدغه‌های اجتماعی.

از «هیس! دخترها فریاد نمی‌زنند» در سال ۱۳۹۲ تا «شغال» در ۱۴۰۴، حضور زنان در نقش وکیل مسیری پرتحول را طی کرده است. این شخصیت‌ها گاه صدای قربانیان بوده‌اند، گاه میان زندگی شخصی و حرفه‌ای در نوسان مانده‌اند و گاه خود به‌عنوان متهم قرار گرفته‌اند. هر یک از بازیگران – از مریلا زارعی و لیلا حاتمی گرفته تا سارا بهرامی و شبنم مقدمی – توانسته‌اند بخشی از حقیقت وکالت زنانه را در قاب تصویر بیاورند.

پرسش اصلی همچنان باقی است: آیا این تصویرها به واقعیت نزدیک‌اند؟ پاسخ، ترکیبی است از بله و خیر. برخی از نقش‌ها به ویژه در آثار اجتماعی‌تر، بازتابی از محدودیت‌ها و تلاش‌های واقعی زنان وکیل‌اند؛ در حالی که برخی دیگر، تصویری نمادین و آرمانی ساخته‌اند. با این حال، تأثیر کلی این آثار انکارناپذیر است: آن‌ها وکیل زن را به یکی از چهره‌های کلیدی روایت‌های معاصر بدل کرده‌اند و راه را برای فیلم‌سازانی باز کرده‌اند که می‌خواهند از زاویه‌ای تازه به عدالت، قانون و زن ایرانی نگاه کنند.